

بررسی روند تاریخ‌نگاری انقلاب
در گفت‌وگوی «فرهیختگان» با قاسم تبریزی

در نگارش
تاریخ معاصر
تنها ۲۰ درصد
موفق بوده‌ایم

صفحه‌های ۱۴ و ۱۵

سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را گرامی می‌داریم
روزنامه‌خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تهران ۴۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۵۰۰ تومان

فرهیختگان

www.fdn.ir | Tue | 09 Feb 2021 | vol.12 | No. 3254 | 16 Pages

مردم ایران ۴۲ سال پیش، ایران را از سلطه غرب و شرق آزاد کردند

انقلاب؛ تولد دوباره یک ملت



«فرهیختگان» از برگزاری نمایشگاه «جهش تولید، خودکفایی صنعتی و خنثی کردن تحریم‌ها» گزارش می‌دهد

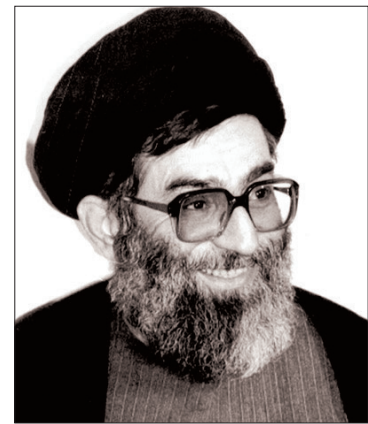
بومی‌سازی قطعات ۱۰۰ میلیون دلاری در دانشگاه

صفحه ۶

بازخوانی یک گفت‌وگوی مهم

جمع‌بندی
آیت‌الله خامنه‌ای
از دهه اول
انقلاب اسلامی

صفحه ۲



چرا مدیران دولتی نباید به جشنواره فجر
امسال افتخار کنند؟

یک
جشنواره
و دو هشدار

صفحه ۱۲

درباره طرحی که هنوز زیرساخت‌هایش
فراهم نیست

در یک سالگی کرونا
دولت الکترونیک
هنوز شعار است

صفحه ۱۶

هاشمی رفسنجانی دهه فجر ۶۷:

آمریکا برای رابطه با ما
به التماس افتاده است

تاریخ‌نگاری انقلاب
بر عهده کسانی است
که جمهوری اسلامی
و روند آن را
قبول ندارند

صفحه ۸

۶ نکته‌ای که پس از انتشار اسامی نامزدهای جشنواره
می‌توان به آنها اشاره کرد

شگفتی‌سازی
«یدو» و
تحویل گرفته‌شدن
فیلم‌های پر سرو صدا

صفحه ۱۲

محمد حسن روزی طلب در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

« یادداشت



سید مهدی طالبی
روزنامه‌نگار

هر کشوری براساس موقعیت خود نیازمند پیگیری سیاست‌های منطقه‌ای است. این سیاست‌ها می‌توانند با ایجاد ثبات در نواحی پیرامونی کشور تضمین‌کننده امنیت داخلی باشند. مساله سیاست‌های منطقه‌ای و هزینه کردهای نظامی برای حضور ایران در منطقه پیش و پس از انقلاب ازجمله مسائل مهم تاریخ و سیاست است. در این مقایسه گرچه بیشتر از نظام پهلوی نام برده می‌شود اما باید به یاد داشت قدرت ایران از مدت‌ها قبل از به وجود آمدن سلسله پهلوی و حتی پیش از قاجارها با تزلزل روبه‌رو شده بود. پس از سپری شدن دوران اولیه حکومت صفویه، دوران رکود قدرت ایران آغاز شد و به اشغال اصفهان توسط شورشیان مخالف انجامید. پس از آن نیز عثمانی بخش‌های بزرگی از کشور را اشغال کرد. این مساله با فراز و نشیب‌هایی ادامه یافت.

در دوران پهلوی این سنت دیرینه نظام‌های پادشاهی ایران به‌جایی رسیده بود که کشور بدون جنگ مناطق استراتژیکی را به روسای قبایل بحرین، جمهوری ترکیه و افغانستان واگذار کرده؛ مناطقی که وسعت آنها به اندازه مجموع چندین شهرستان بزرگ کشور است.

ایران درست در میانه این خاک‌بخشی‌ها در سال ۱۳۵۱ وارد خاک عمان شد تا براساس دستور غرب، کمونیست‌ها را در مناطق صعب‌العبور و در گرمای طاقت‌فرسای مناطق مجاور اقیانوس هند سرکوب کند. این درحالی بود که محمدرضا شاه در سال ۱۳۵۰ مناطقی از سیستان را به افغانستان داده بود و در سال ۱۳۵۱ نیز ۶۰۰ بار با ارتش عراق درگیر شد. ایران در شرایطی تا سال ۱۳۵۴ و سرکوب کامل شورشیان ظفار در عمان ماند که در تمامی این سال‌ها درگیری‌ها با ارتش عراق ادامه داشت. در سال ۱۳۵۲، میان ایران و عراق ۱۲ درگیری و در سال بعد ۱۰ درگیری رخ داد که در آنها حتی جنگنده‌ها نیز وارد عمل شدند. با وجود این درگیری ۱۶ هزار نیروی نظامی ایران درحال جنگ در ظفار بودند بدون اینکه مهم باشد خاک خود ایران در خطر است.

رژیم پهلوی نه‌تنها در انتخاب سیاست‌های منطقه‌ای خود دچار اشتباه بود بلکه از اساس در خرید تجهیزات نظامی و به کارگیری نیروی نظامی نیز خطاهای بزرگی مرتکب شد؛ خطاهایی که برداشت‌هایی برعکس درباره آنها وجود دارد. در این متن به برخی نقاط مهم و برجسته تفاوت سیاست‌های نظامی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با نظام‌های پیشین پرداخته‌ایم.

خریدهای غیرمنطقی

و افسانه‌سازی دروغین از اف-۱۴

در زمان شاه خرید گسترده جنگنده اف-۱۴ بدون توجه نظامی و مالی صورت گرفت. جنگنده اف-۱۴ به بسیاری دیگر از کشورها همانند عربستان سعودی و استرالیا پیشنهاد شده بود. کاخ سفید حتی پیشنهاد خرید آن را به رژیم صهیونیستی نیز داده بود اما جنگنده‌ها براساس مجموعه‌ای از توانایی، هزینه خرید، هزینه تعمیرات، هزینه هر ساعت پرواز، هزینه ایجاد زیرساخت‌ها برای استفاده از جنگنده و مسائلی همانند این ارزیابی می‌شوند. رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی به سمت خرید اف-۱۵ رفتند؛ جنگنده‌ای که کارایی بیشتری از اف-۱۴ داشت، هزینه خرید آن یک‌چهارم اف-۱۴ بود، به دلیل هوشمندی در طراحی، تعمیراتش آسان تر بود، به زیرساخت چندان برای به کارگیری نیاز نداشت، هزینه هر ساعت پرواز با آن کمتر از اف-۱۴ بود و طرحی بود تکمیل‌شده درحالی که اف-۱۴ از مشکلات موتوررنج می‌برد. ازسوی دیگر اف-۱۴ متناسب با نیازهای نیروی دریایی آمریکا برای حفاظت از ناوگان دریایی این کشور طراحی شده بود ولی اف-۱۵ منطبق با نیازهای نیروی هوایی آمریکا برای دفاع سرزمینی از این کشور ساخته شده بود.

شاید برخی بگویند اف-۱۴ در زمان جنگ شکارهای زیادی داشته و به نیروی هوایی ایران و حفاظت از زیرساخت‌ها کمک بسیاری کرده است. این مساله درست است. کسی صحبت از ناکارآمدی اف-۱۴ نمی‌کند بلکه در مقام مقایسه با اف-۱۵ می‌توان گفت کارایی کمتری نسبت به این جنگنده داشته که ایران می‌توانسته آن را با هزینه‌ای کمتر خریداری کند. اشکال دیگری که شاید عده‌ای به این مطالب وارد کنند این موضوع است که اف-۱۴ توان هوایی بیشتری نسبت به اف-۱۵ دارد. جواب در این نکته است که اگر این موضوع واقعیت دارد به چه دلیل دولت و نیروی هوایی آمریکا این جنگنده را برای دفاع سرزمینی از خاک اصلی آمریکا انتخاب نکرده است؟

آمریکا در سال جاری میلادی نسل جدید جنگنده اف-۱۵ را پسوند EX را رونمایی کرده که قرار است ارتش آمریکا آن را به‌دلیل برتری‌هایش نسبت به جنگنده نسل پنجم اف-۳۵ به خدمت بگیرد. این درحالی است که اف-۱۴ پس از مشکلات بسیار در سال ۲۰۰۶ به‌طور کامل بازنشسته شد.

تانک‌های چیفتن دیگر خرید زائد رژیم پهلوی بود. این تانک با وجود نوآوری‌های بسیار هنوز تانکی متناسب میدان نبرد نبود. ازسوی دیگر در ایران آزمایش‌هایی روی آن انجام نشده بود

درحالی که اگر کشوری بخواهد سلاحی تهیه کند سعی می‌کند در ابتدا یک یا دو تانک را خریداری کرده و آن را در محیط‌های مختلف مورد نیاز خود آزمایش کند. رژیم پهلوی بدون بررسی تانک چیفتن و بدون هماهنگی با فرماندهان ارشد ستاد مشترک ارتش و نیروی زمینی به‌طور ناگهانی قرارداد خرید تانک از بریتانیا رانهایی کرد و تعدادی از تانک‌های ساخته‌شده چیفتن که مربوط به سفارش‌های لغوشده بودند وارد ایران شدند. این درحالی بود که ایران به تانک‌های بهینه‌شده ام-۶۰ آمریکا دسترسی داشت و شوروی نیز حاضر به فروش ادوات رزهی به ایران بود چه اینکه ایران هزاران نفربر از مسکو خریداری کرده بود. ایران تانک تکمیل‌نشده چیفتن را خریداری کرد تا خسارت‌های بریتانیا را به‌جهت سفارش‌های لغوشده‌اش جبران کند.

پایان یخشی به روند جداسازی خاک ایران
با هزینه نظامی هوشمند

درحالی که ایران تا پیش از انقلاب سالانه ۶ میلیارد دلار سلاح وارد می‌کرد در طول ۸ سال جنگ تحمیلی کشور تنها ۵ میلیارد دلار هزینه دفاع از کشور کرد. صرف هزینه‌های هنگفت شاه درحالی بود که در طول برخی نبردهای منطقه‌ای در نوار مرزی عراق، رژیم صدام موفق به اشغال برخی از مناطق ایران شده بود اما رژیم پهلوی از ترس آغاز جنگی فراگیر سکوت پیشه کرده بود. شاه در طول دهه ۱۳۵۰ هجری شمسی به‌جز بحرین که به‌قول هویدا، نخست‌وزیر شاه دیگر وقت شوهردادنش شده بود، مناطق وسیعی از سیستان را به افغانستان داده و در برابر اشغال برخی از نواحی و دشت‌های منطقه غربی ایران توسط صدام نیز سکوت کرده بود.

بحرین وسعتی برابر ۷۷۸ کیلومترمربع دارد و ۸/۵ برابر جزیره کیش با وسعت ۹۱ کیلومترمربعی است. برخی از مقامات رژیم پهلوی در توجیه این واگذاری به تمام‌شدن نفت بحرین اشاره کرده‌اند. محمدرضا شاه در جریان مصاحبه‌ای در توجیه این واگذاری گفته بود: «اکثریت ساکنان آن جزیره (بحرین) عرب هستند و به زبان عربی سخن می‌گویند. به لحاظ اقتصادی مجمع‌الجزایر بر دیگر اهمیت ندارد، زیرا نفت آنجا تمام شده و صید مروارید نیز صرفه اقتصادی ندارد. از نظر اهمیت استراتژیکی و سوق الجیشی با وجود تسلط ایران بر تنگه هرمز، آن جزایر ارزشی ندارند. از جهت امنیتی هم حفظ آن سرزمین پرهزینه و مستلزم استقرار یکی، دو لشکر در آنجاست.» در اینجا به چند نکته می‌توان اشاره کرد. آیا هرجایی در ایران را

راهبرد ضدملی پهلوی در تعاملات منطقه‌ای

که در آن فارسی صحبت نمی‌شود باید داد که برود؟ گفته بود بحرین نفت و مرواریدش تمام شده بود، پس با این استدلال باید استان‌هایی مانند سمنان، سیستان و بلوچستان و کلانمناطق غیر نفت خیز و مرواریددار را باید به‌دیم به دیگران؟ محمدرضا شاه در ادامه مدعی شده بود از نظر اهمیت سوق الجیشی با وجود تسلط بر تنگه‌هرمز نیازی به بحرین نبود. پس حالا که تنگه‌هرمز دست ایران است آیا باید پس از تسلط بر این تنگه دیگر مناطق غیرمشرف بر تنگه‌هرمز را به دیگران واگذار کنیم و بگوئیم استان اردبیل دیگر پس از تسلط بر تنگه‌هرمز نیازی نیست جزء خاک ایران باقی بماند؟

دشت ناامید دیگر منطقه‌ای است که خاندان پهلوی همانند حکومت‌های پیشین سده‌های اخیر در آن بسز ناامیدی کاشته است. این منطقه که ۱۲ هزار کیلومترمربع مساحت دارد، یک‌چهارم استان تهران با ۱۲ هزار کیلومترمربع وسعت است. درباره این منطقه نیز سران پهلوی گفته بودند چون دارای بیابان‌های لم‌بزرع بوده و مالیاتی نداشته، گذاشته‌اند افغانستان آن را در اختیار بگیرد. این منطقه به‌همراه نواحی دیگر را نخست رضاشاه و سپس در دومین قرارداد مرزی ایران و افغانستان محمدرضا شاه به افغانستان داده است. با استدلال موجود باید گفت هر منطقه‌ای که مالیات ندارد یا بیابان زیاد دارد باید به دیگران بخشیده شود؟ اگر آنقدر بد بوده پس چرا افغانستان آن را قبول کرده و پس نداده است؟ پس از جداشدن قفقاز از ایران نیز دولتمردان قاجاری برای توجیه ضعف‌های خود در ایران جا انداخته بودند که خاک قفقاز شور بوده و به‌درد کشاورزی نمی‌خورده است. براساس استدلال‌های خاندان‌های پادشاهی مانند قاجاریه یا پهلوی دشمنان ایران از نوعی حماقت برخوردار بوده‌اند و بی‌دلیل نواحی غیرمرغوب را از ایران جدا می‌کرده‌اند.

گذار از حضور منطقه‌ای دستوری
به حضور درون‌زا

از اساس اینکه ایران براساس سیاست دوستونی نیکسون به‌عنوان ژاندارم منطقه‌نایمیده شد خود نشان دهنده جهت‌گیری غیردخالسی حضور منطقه‌ای ایران است. ریچارد نیکسون پژوهشگری نبود که براساس یافته‌های پژوهشی بگوید ایران با قدرتش و فعالیت‌هایش تبدیل به ژاندارم منطقه شده بلکه او رئیس جمهور آمریکا بود و با بررسی متدانش در منطقه غرب آسیا تصمیم گرفته بود رژیم شاه را به‌عنوان مسئول حفاظت از منافع آمریکا انتخاب کند و به ایران لقب ژاندارم منطقه دهد.

آنچه ایران را واجد این شرایط کرده بود پیشروی شوروی در جهان و هم‌پیمانی پان عرب‌های منطقه با مسکو بود. در این میان باید کشوری انتخاب می‌شد که احتمال بروز کوران ناسیونالیسم عربی در آن وجود نداشت. ایران تنها کشور مناسب در منطقه بود که واجد این شرایط بود. ترکیه به این دلیل انتخاب نشد که در گوشه‌ای از غرب آسیا واقع شده و راهی به خلیج فارس نداشت، اما ایران دارای سواحل طولانی در خلیج فارس بود و درکنار حفاظت از منافع آمریکا در این ناحیه، مانعی برسر دسترسی شوروی به آب‌های گرم تلقی می‌شد.

ایران هر کجا که منافع غرب اقتضا می‌کرد حضور داشت حتی اگر این حضور به ضررش نبود. در چارچوب رقابت‌های جنگ سرد، میان دو کشور کمونیست چین و شوروی بحران بروز کرده و در این میان آمریکا به عنوان قطب مخالف شوروی به حمایت از چین‌روی آورده بود. درسوی دیگر هند نیز با استفاده از اختلافات شوروی و چین خواهان استفاده از حمایت‌های سیاسی و به‌خصوص نظامی مسکو شده بود. در این میان پاکستان نیز مامور تنش‌آفرینی با هند و درسوی دیگر مانعی برسر رسیدن شوروی از طریق افغانستان به آب‌های گرم بود.

در این میان ایران بدون دلیل کمک‌های نظامی و سیاسی گسترده‌ای از پاکستان به عمل می‌آورد؛ کمک‌هایی که ارتباطی به همکاری با مسلمانان نداشت بلکه در راستای سیاست‌های آمریکا در آسیا و شبه‌قاره هند بود. این مساله می‌توانست رابطه تاریخی ایران و هند را بسدود وجود دلیلی قابل توجه با بحران ریشه‌دار و طولانی مدت روبه‌رو کند.

درسوی دیگر ایران در هر جنگی کمک‌های نظامی گسترده و تجهیزات گرانتیمیتی را برای متحدان آمریکا ارسال می‌کرد تا به‌نوعی تعهدات آمریکا در برابر آنان را انجام داده باشد. آمریکا تصمیم می‌گرفت به پادشاه مراکش برای جنگ با جبهه مبارز پولیسارو کمک کند پس به ایران دستور می‌داد و ایران نیز با پول خود سیل تجهیزات نظامی را روانه مراکش می‌کرد. آمریکا با پول و جان ایران سیاست‌هایش را پیش می‌برد بدون آنکه حتی در صحنه میدانی حضور داشته باشد.

نمونه این اقدام را می‌توان در عمان دید، جایی که آمریکایی‌ها بیرون از گود ایستاده بودند و سربازان ایرانی تنها روانه بیابان‌ها و کوهستان‌های غرب عمان شدند؛ بدون حضور مستشاران نظامی آمریکایی که درست در همان موقع ده‌ها هزار نفرشان در ایران فعالیت می‌کردند. این مستشاران در ایران زیاد اما در میداین نبرد حتی اندک هم نبودند، بلکه کلان‌نودند. آمریکایی‌ها حتی در بحث خرید سلاح‌ها نیز با اینکه ایران همین سلاح‌ها را به دستور آمریکا به دیگران هبه می‌کرد یا اینکه با همان‌ها برای منافع آمریکامی جنگید، کوچک‌ترین تخفیفی قائل نمی‌شدند.



@farhikhtegandaily

صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN

روزنامه فرهیختگان WWW.FDN.IR

فرهیختگان